

## نگاه اجمالی به رباعیات غنی کشمیری

شازیه بانو  
محقق در دانشگاه جامعه ملیه اسلامیة در رشته ادبیات فارسی  
دهلی نو  
آدرس ایمیل [shazimehdikmr@gmail.com](mailto:shazimehdikmr@gmail.com)  
شماره تلفن همراه: ۸۴۹۴۰۴۴۶۵۳

یکی از شاعران برجسته در دوران شاه اورنگ زیب ملامحمد طاهر غنی است که در ادبیات فارسی سرمایه گران قدری بجا گذاشته - پدرش با خواجه طاهر رفیق که یکی از بزرگان خوانواده اشانی بوده، اعتقاد زیادی داشت و به همین نسبت نام پسرش محمد طاهر کرد. درباره خوانواده غنی کمی اختلاف است بعضی تاریخ نویسان غنی را اشانی یعنی با الف و برخی عشایی یعنی با عین می نویسند. مولف و افعات کشمیر درباره خوانواده غنی اینطور می نگارد:

”مولانا طاهر غنی از قبیلہ اشانیها است که لقب معروف است در کشمیر“<sup>85</sup>

راجع به تاریخ تولد غنی معلومات دقیقی در دست نداریم - برخی از تاریخ نویسان بر این اتفاق دارند که غنی در سال ۱۶۳۰ م در شهر سرینگره دنیا آمد -<sup>86</sup> بعقیده سرخوش و دیگر تذکره نویسان در این سال غنی شعر گفتن را شروع کرد در آن موقع غنی بیست سال داشت - این حدس قانع کننده نیست زیرا غنی بطور قطع قبل از بیست سالگی نیز شعر می گفت و قبل از غنی طاهر تخلص میکرد -<sup>87</sup> چنانچه در اشعار ذیل می گوید -

چنانگردیدد امنگیر گرد غریتم طاهر

کهریگشیشه ساعت بود خاک مزار من<sup>88</sup>

غنی شاگرد ملا محسن فانی بود - غنی در مکتب عرفان کی ملامحسن فانی درس خوانده بود. و از مواظظ و مجالس عرفانی عصر خود استفاده کامل برد و برای تزکیة نفس و تهذیب اخلاقیه مجاهداتی پرداخت.

<sup>86</sup>: (پارسی سرایان کشمیر ص ۳۶)

<sup>87</sup>: (ایران صغیر ص ۵۱)

<sup>88</sup>: (دیوان غنی ص ۲۱۲)

غنی در فقر و تنگدستی زندگی می کرد و گوشه‌گیری ، قناعت و مناعت را بر جاه و دولت و تظاهر ترجیح می داد و زندگی او کاملاً درویشانه و عارفانه بود و از مصاحبت صاحب منصبان دولت خودداری میکرد. در مدح هیچ کس قصیده ای نسرود و هیچ ارتباطی با درباریان نجسته و نه از کسی کمک خواسته در اشعار هم به این جانب اشاره نمود و گفت ۷

غنی از ننگ نام زر نگیرد

که نام زر گرفتن هم گدای است<sup>89</sup>

غنی در یک کلبه کوچکی زندگی می کرد می گویند که وقتی در خانه می بود در را قفل میکرد و موقع بیرون رفتن در را باز می گذاشت هنگامیکه سبب این کار را پرسیده شد گفت غیر از من در این خانه چیزی قابل ارزش نیست و موقعی که من در خانه نباشم احتیاج قفل و بند نیست.

اقبال این داستان را بطرز جالبی در جاویدنامه بیان نموده و اینچنین می سراید ۷

غنی آن سخنگوی بلبل صغیر

نواسنج کشمیر مینو نظیر

چون اندر سرا بود در بسته داشت

چون رفت از سرا تخته را وا گذاشت

یکی گفت ای شاعر دل رسی

عجب دارد از کار تو هر کسی

بپاسخ چه خوش گفت مرد فقیر

فقیر و باقلیم معنی امیر

زمن آنچه دیدند یاران رواست

درین خانه جز من متاعی کجا است

غنی تا نشیند بکاشانه اش

متاع گرانی است در خانه اش

چون آن محفل افروز در خانه نیست

تهی تر از این هیچ کاشانه نیست<sup>90</sup>

---

<sup>89</sup>: (دیوان غنی ص ۹۷)

<sup>90</sup>: (کلیات اقبال ص ۴۱۲-۴۱۳)

پس از مطالعه عمیق دیوان غنی این حقیقت عیان میشود که غنی عمر درازی افته

بود و او پیری خود را و بالجان می شمرد:

از ضعف پیری ستمر اتکیه بر عصا

گردم هنوز هرزه چو طفلان نی سوار<sup>91</sup>

به سبب ضعف چشم او عینک هم به چشمی کرد چنانچه می سرود:

نیست عینک که نهادیم ز پیری بر چشم

نگه از شوق جمال تو زند سر بر سنگ<sup>92</sup>

به سبب ضعف طاق سماع ترا هم نداشت و میگفت مویش هم سفید شده بود و دندان ریخت

ه بود:

ز پیری چنان گشته ام ناتوان

که دندان بجنبند جای زبان

موگشت سپید و ریخت دندان

در صبح شود ستاره پنهان<sup>93</sup>

مسلم که شاگرد غنی بود اولین کسی است که دیوان غنی را ترتیب داده و به نسبت پیری و ضعف جسمانی

غنی چنین گویا است:

”از پیکره بولانش پوستی و استخوانی مانده بود.“<sup>94</sup>

بنابر این غنی در مریضیهای گوناگون زندگی بسر نمود و بخاطر مریضی تب در سال ۱۱۸۹ هجری چشم از

جهان بست.<sup>95</sup> مؤلف کتاب ایران صغیر از تذکره نصرآبادی در مورد وفات غنی چنین نقل می کنند:

از صحیح القولی مسموع شد که بادشاه والا جاه هندوستان، بسیف خان او را طلبیده، تکلیف رفتن

بهند نمود او ابا نموده گفت عرض کنید که دیوانه است، خان گفت عاقلی را چون دیوانه بگویم؟

اوفی الفور گریبان خود را دریده دیوانه وار روانه خانه شد و بعد از سه روز فوت شد.<sup>96</sup>

<sup>91</sup>: (دیوان غنی ص ۱۷۰)

<sup>92</sup>: (دیوان غنی ص ۱۸۴)

<sup>93</sup>: (دیوان غنی ص ۲۱۳)

<sup>94</sup>: (دیوان غنی ص ۵۵)

<sup>95</sup>: (واقعات کشمیر ص ۱۷۲، دیوان غنی ص ۴۷)

<sup>96</sup>: (ایران صغیر ص ۵۴)

غنی در مقبره خانوادگی در راجوری کدل مدفون است.

غنی در دوران شاهان مغول می زیست آن وقت بازار شعر و شاعری می درخشید. غنی هم به این فن خیلی علاقه مند بود و از محضر شاعر برجسته آن زمان ملا محسن فانی کشمیری استفاده می نمود و در فن شعر و شاعری به اوج کمال رسید و شهرت فراوان بدست آورد. شاعر برجسته فارسی صائب تبریزی هنگام مسافرت به کشمیر با غنی ملاقات نمود و بسیار تحت تأثیر او قرار گرفت صائب بیادگار این ارتباط معنوی با شاعر کشمیر در استقبال غزلهای غنی غزلهای ساخته است غنی یک نسخه دیوان منتخب خود را به او تقدیم کرد صائب همچنان که ورق میزد نگاه به بیت زیر افتاد

حسن سیزی بخط سبزمرا کرد اسپر

دام هم رنگ زمین بود گرفتار شدم<sup>97</sup>

صائب بوجد آمد و گفت من مایلم دیوان غزلیات خود را در مقابل این یک بیت عوض کنم. این داستان را خواجه عبدالحمید عرفانی در تالیف خود، ایران صغیر ذکر کرده است. بنابر این صائب غنی را خیلی دوست می داشت و غنی هم او را احترام می گذاشت.

غنی خودش در اشعار این مطلب را ابراز می نماید

نگردد شعر من مشهور تاجان در تنم باشد

که بعد از مرگ آمو نافه بیرون می دهد بورا<sup>98</sup>

در اشعار دیگر در مورد شهرتش اینچنین می سراید

اشعار ابدارم تا شد محیط عالم را

انداختند در آب یاران سفینه ها را<sup>99</sup>

غنی چرا صله شعر از کسی گیرد

همین بس است که شعرش گرفته عالم را<sup>100</sup>

مشهور در سواد جهان از سخن شدیم

همچون قلم سفر بزیان می کنیم ما<sup>101</sup>

---

<sup>97</sup>: ( ایران صغیر ص ۵۰ )

<sup>98</sup>: ( دیوان غنی ص ۵۹ )

<sup>99</sup>: ( دیوان غنی ص ۸۸ )

<sup>100</sup>: ( دیوان غنی ص ۸۰ )

<sup>101</sup>: ( دیوان غنی ص ۶۷ )

کلیه آثار منظوم وی در دست نیست تنها آثاری که در دست ما رسیده عبارت است از غزلیات ، رباعیات و چند مثنوی کوتاه - دیوانش در هند و ایران و جاهای دیگر مشهور و دستمایه اهتزاز ارباب شعور است- شعر او مورد تقلید مکرر معاصران و متاخرین قرار گرفت - او تنها شاعر فارسی سرای کشمیر است که مورد تحقیق قرار گرفته و مهمترین مأخذ درباره حیات و شعر او موجود است - شاعر نامور اقبال لاهوری در سفر آسمانی خودش در جاویدنامه این شاعر کشمیری را اینطور می سراید -

شاعر رنگین نوا ظاهر غنی

فقر او باطن غنی ظاهر غنی<sup>102</sup>

شیرعلی خان لودی می گوید:

”همواره چون زمرد به آب خود سرسبز بوده از شأن ابرو شوکت دریا فراغت داشتی و به رنگ مروارید در صدف زاویه به پاس ابرو مقید بوده اشعارش مانند گلهای کشمیر همواره با طراوت ، معنی و طرزکلامش چون خوبان پیوسته با حلاوت - واردات او را معنی خاص بسیار است و مضامین تازه بی قیاس-“<sup>103</sup>

غنی شاعر غزل گو است و در غزل سرایی در سبک هندی یک مقامی و جایگاهی بدست آورد- در غزلیات غنی مضامین از قبیل اخلاق، تصوف، فقر و تنگدستی و غیره شامل می باشد- یک عنصر اساسی غزل تلمیح است و حسن غزل این است که تلمیح را با خوبیکار برده شود- در غزل فارسی حکایت یوسف رابه حد زیاد استفاده کرده اند شعر غنی بگونه ای این حکایت را استفاده نمود که شهرت فراوانی بدست آورد و چنین می سراید -

غنی روز سیاه پیرکنعان را تماشا کن

که روشنکرد نور دیده اش چشم زلیخارا<sup>104</sup>

غنی بیشتر در تمثیل گویی شهرت داشت

و بعضی از اشعار غنی سرشار از استعمال ایهام و تمثیلاست:

دیده چون آندولب شیرین دید

معنی قند مکرر فهمید<sup>105</sup>

<sup>102</sup>: (کلیات اقبال ص ۸۵۰)

<sup>103</sup>: (تذکره مرآت الخیال ص ۱۴۲)

<sup>104</sup>: (دیوان غنی ص ۵۸)

<sup>105</sup>: (دیوان غنی ص ۱۴۳)

غنی کشمیری بزرگترین سخنسرای هند است شعر او در سراسر جهان گردیده و شهرت تام پیدا کرد. غنی کشمیری اگرچه در غزل سرای معروف گردیده ولی ۹۲ رباعیات هم سروده. موضوع این رباعیات بیشتر اخلاقی از قبیل انسان شناسی، اخوت و برادری، ارزش علم، تقرب الهی، پرهیز از ریاکاری، پرهیز از طمع و حرص و غیره می باشد. غنی برای رساندن مطلب در بیشتر رباعیات از تمثیلات بسیار استفاده برده و رباعیات را دلچسپ و مطبوع گردانیده. در این باب ما چند رباعیات غنی بر همین عنوان بررسی می نماییم. این رباعیات از دیوان غنی که توسط "جموں ایند کشمیر اکیدمی آف آرت کلچر ایند لنگویجز" در کشمیر نشر گردیده، گرفته شده است. در تصحیح این دیوان از نسخه های موجود در جاهای مختلف استفاده شده است.

غنی در رباعیات انسان را به طلب کمال و بلندی که هدف خلقت انسان می باشد، تلقین می کند و می گویند که هر کس که مطالب صحیح و معنی دار را بگوید آن را بگیر لازم نیست گوینده را تحقیق نمایی که کیست، چه حسب و نسب دارد، با کدام مذهب و ملت تعلق دارد و غیر از آن است همانطور که حضرت علی می فرمایند (انظرالی ما قال، ولا تنظر الیمن قال<sup>106</sup>) غنی هم این مطلب را در رباعیات زیر خیلی زیبا بیان نموده.

ای در طلب کمال سرگرم شتاب

در صورت کس مبین و معنی دریاب

هر چند عقیق است با آتش هم رنگ

دارد بدهان تشنه خاصیت آب<sup>107</sup>

اسلام دنیا را به عنوان یک مزرعه تشبیه می نماید که هر چه در این جهان بکاریم، محصولش در آخرت برداشت می کنیم چنانکه پیغمبر اکرم ﷺ می فرمایند: الدنیا مزرعة الآخرة، (تفسیر نمونه جلد ۲۰، ص ۴۲۳). همه صوفیان کرام هم به این مطلب اشاره کردند که دنیا فصل کاشت یعنی حرکت و عمل است و آخرت فصل برداشت یعنی نتیجه ایست از همان تلاش و کوششها و زحماتی که در دنیا کشیده شده. هر عملی از خوب و بد که از انسان سرزد می شود، در آخرت آن را مشاهده خواهد کرد. غنی کشمیری هم در رباعی زیر همین مطلب را اشاره می نماید که مستان همه در خواب غفلت هستند و از آتش جهنم هیچ باکی ندارند در حالیکه دنیا مزرعه آخرت است و هر عملی در آخرت جزا و سزا دارد.

<sup>106</sup>: (غرر الحکم ص ۳۶۱)

<sup>107</sup>: (دیوان غنی ص ۲۲۷)

مستان همه خفته اند در سایه تاک

از گرمی خورشید قیامت بیباک

دنیا گویند مزرع آخرت است

ای شیخ بریزدانه سبحة بخاک<sup>108</sup>

مولانا رومی به این جانب در رباعی زیرچنین رقمطراز است -

بد می کنی و نیک طمع می داری

هم بد باشد سزای بدکرداری

با اینکه خداوند کریم است و رحیم

گندم ندهد بار چو جو می کاری<sup>109</sup>

در رباعی دیگر غنی می گوید هر آنکس که به زرق و برق دنیا علاقه و پیوند داشته باشد نمیتواند به کمال برسد و موفق شود ولی هوشمند و زرنگ کسی است که از تمایلات و از زرق و برق دنیا بی خبر باشد و آنکس موفق ، مؤید و فارغ البال است به عنوان مثال پرنده در تخم فریاد نمی زند گرچه در تخم جایش از قفس هم تنگ است - غنی این مطلب را چنین بیان می نماید -

هوش است که سرمایه صد درد سراسر است

فارغ البال آنکه از جهان بی خبر است

در بیضه نمی کنند مرغان فریاد

هر چند که بیضه از قفس تنگتر است<sup>110</sup>

انسانی که قلبش بر اثر گناهان سیاه و تیره شده باشد، هیچ پند و نصیحتی برایش اثر نمی گذارد بلکه خداوند متعال او را از حیوانات هم بدتر می شمارد چنانچه در کلام پاکش می گوید: (اولئک کالانعام بل هم اضل ، یعنی اینان مانند چهارپایانند، بلکه گمراه ترند -<sup>111</sup> شاعر مشهور معاصر غنی صایب تبریزی این موضوع را در شعر ذیل با تمثیل زیبا بیان نموده است -

در سیه دل نکند صحبت نیکان تأثیر

پای طاوس نگارین نشود از پروبال

<sup>108</sup>: ( دیوان غنی ص ۲۳۷ )

<sup>109</sup>: ( کلیات شمس ص ۱۴۳۰ )

<sup>110</sup>: ( دیوان غنی ص ۲۲۸ )

<sup>111</sup>: (سوره اعراف آیه ۱۷۹)

غنی گرچه شاگرد صائب نبوده ولی بسیار در تأثیر صائب بوده و هر دو باهم ارتباط خاصی داشتند. این تأثیر در اشعار غنی نمایان است چنانچه در رباعی زیر موضوع مزکور را در نظر داشته و در مورد این آدمهای بد و تیره دل صحبت کرده و می گوید که هر چند که اینجور آدمها با پاکان و نیکان بنشینند، باز

هم هیچ فائده‌ای از اینها نمی برند

بد گرچه دمی چند به نیکان بنشست

سررشته نیکیش نیفتاد بدست

از تیره دلی پاک نشد خاکستر

هر چند که با آتش و آئینه نشت<sup>112</sup>

یکی از صفات رزیده ای که انسان را در بارگاه الهی پست و خوار می کند ریا است. ریا در لغت یعنی خود را به نیکوکاری جلوه دادن برخلاف حقیقت و در اصطلاح یعنی انسان هر عمل نیک را برای جلب نظر مردم انجام بدهد نه برای رضای خدا. بنابراین در هر عملی که ریا باشد سودی ندارد ضایع می شود هر چند که انسان عابد و پرهیزگار باشد غنی کشمیری در رباعیش چنین شخص را زاهد خشک خوانده و او را با موج بویا تشبیه نموده که مردم از او سودی نمی برند و در ذیل رقمطراز است

در فصل بهار پارسا نتوان شد

هم صحبت ارباب ریا نتوان شد

فیضی نبرد هیچکس از زاهد خشک

سیراب ز موج بویا نتوان شد<sup>113</sup>

کشمیر بنام "رئش وُر" یعنی سرزمین صوفیان مشهور است و از گوشه جهان و از کل هند صوفیان و ریاضت کشان به این سرزمین پرسکون و سرسبز پناه می بردند و مشغول عبادت و ریاضت می شدند و بیشترشان برای همیشه در همین سرزمین سکونت گرفتند. غنی چونکه کشمیری بود هیچ جایی را با کشمیر مقایسه نمی کرد و کشمیر را از همه جا بیشتر دوست می داشت و تمام زندگی از کشمیر بیرون نرفت اگرچه از اشعارش معلوم می شود که غنی سفری به یکی از شهرهای هند نموده اما دل تنگی داشت و این دلگیری را در رباعی زیر بیان می کرد

کرده است هوای هند دلگیر مرا

<sup>112</sup>: (دیوان غنی ۲۳۰)

<sup>113</sup>: (دیوان غنی ۲۳۲)



ای بخت رسان بباغ کشمیر مرا

گشتم ز حرارت غربی بیتاب

از صبح وطن بده طباشیر مرا<sup>114</sup>

از اشعار غنی معلوم می شود که غنی از همنشینان خیلی اذیت می شد و بارها در غزل و رباعیات از این آدم دورو شکوه و شکایت می کرد هم به دیگران تلقین می نمود که از این جور آدمهای فریبکار در امان باشیم چونکه اینها در ظاهر اظهار دوستی می کنند ولی در باطن دشمنی دارند، حسد دارند غنی باتمثیل زیبا به قلب خویش مخاطب می شود و چنین می سراید:

ای دل نخوری فریب ارباب دغا

غافل نشوی ز دشمن دوست نما

هر چند که آستین نماید فانوس

در کشتن شمع باشدش دست رسا<sup>115</sup>

در رباعی دیگر ایطور می گوید:

کردم هر چند جستجو در عالم

باران مو افق بجهان دیدم کم

افسوس که همچو مهره های شطرنج

یک رنگ نیند همنشینان باهم<sup>116</sup>

یکی از بارزترین مضوعاتی که مورد استفاده بسیاری از شاعران بوده، طبیعت است. در آثار برخی شاعران تا آن حد به این موضوع توجه بوده که بنام شاعر طبیعت معروف گشته اند. غیر از این در شعرهای آنها، تصویرهای گوناگون طبیعت برای بیان اندیشه ها به کار برده شده است. فروردین یکی از ماه اول سال خورشیدی پس از اسفند و پیش از اردیبهشت است و این ماه اول بهار می باشد. طبیعت در فصل بهار جامه نو و رنگارنگ به تن می پوشند، زمین و گیاهان حیات می یابند، گلها می رویند و درختان جوانه می زنند و شکوفه می دهند. بیشتر شاعران بهار را در اشعارش توصیف نمودند و اشعار را زیبایش بخشیدند. در رباعیات هم شاعران از تعریف بهار خاموشی اختیار نکردند

<sup>114</sup>: (دیوان غنی ص ۲۲۵)

<sup>115</sup>: (دیوان غنی ص ۲۲۶)

<sup>116</sup>: (دیوان غنی ص ۲۲۹)

و در قالب رباعی شعرهای سرودند شاعر معروف رباعی گو عمر خیام در زیبایی بهار چنین رقمطراز است<sup>۱۱۷</sup>

از آمدن بهار و از رفتندی

اوراق حیات ما همی گردد طی

می خور، مخور اندوه که گفتست حکیم

غم‌های جهان چو زهر و تریاقش می<sup>۱۱۷</sup>

غنی گرچه گوشه نشینی اختیار نموده بود، از خواهشات و تمایلات دنیوی دست برداشته بود ولی باین حال از قدرت و مناظر آفرینندگان، لطف اندوز می شد و با معنی عمیق و دقیق مانند شاعران دیگر از زیبای و دلکشی طبیعت چشم نپوشده و در رباعی زیر به نحوه احسن زیبایی بهار سروده است<sup>۱۱۸</sup>

برخیز غنی هوای فروردین است

می نوش که وقت باده خوردن این است

فصلی است که آشیان مرغان چمن

از کثرت گل چون سبد گلچین است<sup>۱۱۸</sup>

غنی در رباعیات خود، استعارات و تشبیهات را به زبان شیرین و ساده بیان نموده و به خواننده یک سکون روحی فراهم می سازد و سخن را بیشتر جذاب و دلنشین نشان می دهد مانند این رباعی زیر که چنین می سراید<sup>۱۱۹</sup>

از بس که گلی نبود در گلشن ما

خاری نزد است دست در دامن ما

از چشم بد برق نترسیم که سوخت

مانند سپند دانه در خرمن ما<sup>۱۱۹</sup>

اگرچه غنی از مردم بی تعلق بود اما اشعار غنی در عالم شهرتی بی نظیر داشت. شاعر نامور صائب وقتی با اشعار پر مغز غنی روبرو شد مریدش گشت اشعار غنی آنقدر طراوت و حلاوت داشت که هر شاعری که در عهد ایشان از ایران به کشمیر می آمد اشعار غنی با خودش می برد چونکه از خطه کشمیر هیچ کس مثل ایشان در سبک هندی شعر نمی سرود هنوز هم شاعران و ادیبان از اشعارش لطف

<sup>۱۱۷</sup>: (رباعیات خیام ص ۱۳۱)

<sup>۱۱۸</sup>: (دیوان غنی ۲۲۹)

<sup>۱۱۹</sup>: (دیوان غنی ص ۲۲۵)

میرند این آن چیزی است کہ غنی ہم در غزلیات و ہم در رباعیات بہ آن اشارہ کردہ بود در رباعی زیر این  
مطلب را بیان می نماید۔

از خلق بگوشہ نشستہ پنهان  
میگردد از این رہ سخنم گرد جهان  
ترسم دگر سخن شود گوشہ نشین  
از خانہ برون آیم اگر ہمچو زبان<sup>120</sup>

غنی شاعری است کہ شعرش شہرت جهانی گرفتہ۔

### فہرست منابع

- ۱: پارسی سرایان کشمیر، گ ل ٹیکو، انتشارات انجمن ایران و ہند تہران، ۱۹۲۲ ع
- ۲: تذکرہ شعرائ کشمیر، پیر حسام الدین راشدی، زین آرٹ پریس ریلوے روڈ لاہور۔ اقبال اکیڈمی پاکستان ۱۳۴۱ ش
- ۳: دیوان غنی کشمیری، غنی کشمیری، سیکریٹری جموں اینڈ کشمیر اکیڈمی آف آرٹ کلچر اینڈ لنگویجز، ۱۹۸۴ ع
- ۴: غرالحکم، عبدالواحد آمدی، با شرح و ترجمہ رسول محلاتی، دفتر نشر فرہنگ اسلامی قم ایران، ۱۳۷۸ ش
- ۵: فارسی ادب کی مختصرترین تاریخ، ڈاکٹر محمد ریاض و صدیق شبلی، نیو بسمہ کتاب گھر، ۲۰۱۶ ع
- قرآن کریم، انتشارات آیین دانش، قم ایران، ۱۳۹۷ ش
- ۶: کشمیر کے فارسی ادب کی تاریخ، عبدالقادر سروری، مجلس تحقیقات اردو کشمیر سرینگر ۱۹۶۸ ع
- ۷: کشمیر کے فارسی ادب کی تاریخ، م۔ م۔ مسعودی، بک میڈیا انڈین پرنٹنگ پریس ڈلگیت سرینگر ۱۹۹۳ ع
- ۸: کشمیر کے فارسی شعرا، محمد صدیق نیازمند، اویس وقاص پبلشنگ ہاوس ۱۳۳۴ ہ
- ۹: کلیات شمس تبریزی، مقدمہ: یامداد جویباری، انتشارات گلشانی، تہران، ۱۳۶۸ ش

---

<sup>120</sup>: (دیوان غنی ص ۲۴۱)